



Comparative study of basic Judgement in Iran and Croatia

Unes Fathi,¹ Armin Asghari²

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Bu Ali Sina University (Corresponding author)
u.fathi@basu.ac.ir

Master's student of Public Law, Bu Ali Sina University
arminlawst@gmail.com

Abstract:

The constitution is the most superlative legal document in the political systems of the world. With respect to the great importance of the functions of the Constitution in each political system, the role of guardian or the basic judge has a particular importance. The mentioned institution appears so as to protect the constitution's superiority and also plays role in other duties and functions including the supervision of election and disputing resolution between governmental organs. In this paper, we are going through comparative survey of the guardian council as the basic judge of the Islamic Republic of Iran and the constitutional court of the Republic Croatia as the constitutional guardian of this country. The method of this paper is descriptive-analytic. The main question in the paper is that what are the distinctions and commonalities of the basic judge between Iran and Croatia. The hypothesis is that the constitutional court of Croatia has a far greater, more coherent and desirable discretions than guardian council of Iran and the most important differences between them are the existing European Convention on Human Rights as a significant source for basic Judgement in Republic Croatia and the necessity of confirming president's accusation in the case of committing a crime in that country, which are not predicted for guardian council of Iran. In this paper, while explaining political structure of the government of the Republic Croatian and introducing the constitutional court's functions in that country, distinctions and resemblances between the constitutional court of Croatia and the guardian council of Iran as research findings are considered.

Keywords: the basic judgement, legal document, guardian of the constitutional, drawing discretions, freedom assurance.

Received: 2024/03/08; **Revised:** 2024/04/15; **Accepted:** 2024/05/01; **Published online:** 2024/06/21.

How To Cite: fathi Unes, asghari Armin, (2024). Comparative study of the basic judgement in Iran and Croatia, *Journal of Comparative Public Law*, 1(2). 92-110.
[doi.org/ 10.22091/CPL.2024.10473.1019](https://doi.org/10.22091/CPL.2024.10473.1019)

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





مطالعه تطبیقی دادرسی اساسی در ایران و کرواسی

یونس فتحی^۱، آرمین اصغری^۲

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، (نویسنده مسول): u.fathi@basu
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه بوعلی سینا: www.arminlawst@gmail.com

چکیده

قانون اساسی، عالی‌ترین سند حقوقی در نظام‌های سیاسی جهان است. با توجه به اهمیت گسترده کارکردهای قانون اساسی در هر نظام سیاسی، نقش نگهبان یا دادرس اساسی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. نهاد مذکور در مقام صیانت از برتری قانون اساسی ظاهر می‌شود و در انجام امور و کارکردهای دیگری نظیر نظارت بر انتخابات و حل و فصل اختلافات میان ارگان‌های حکومتی ایفای نقش می‌نماید. در این نوشتار به دنبال بررسی تطبیقی شورای نگهبان به‌عنوان دادرس اساسی جمهوری اسلامی ایران و دادگاه قانون اساسی جمهوری کرواسی به‌عنوان نهاد دادرس اساسی کرواسی هستیم. این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. سؤال اصلی مقاله پیش‌رو این است که وجوه افتراق و اشتراک دادرسی اساسی در ایران و کرواسی چه مواردی است؟ فرضیه موردنظر این است که دادگاه قانون اساسی کرواسی از صلاحیت‌های به‌مراتب فراوان‌تر، منسجم‌تر و مطلوب‌تری نسبت به شورای نگهبان در ایران داراست و اهم تفاوت‌های آن‌ها، وجود مرجعیت مفاد مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در امر دادرسی اساسی در جمهوری کرواسی و لزوم تأیید اتهام مقام ریاست جمهوری در صورت ارتکاب جرم در آن کشور است که نظیر آن‌ها در ایران برای نهاد شورای نگهبان پیش‌بینی نشده است. در این مقاله، ضمن تبیین ساختار حکومت جمهوری کرواسی و معرفی کارکردهای نهاد دادرس اساسی در آن کشور، تفاوت‌ها و شباهت‌ها، میان دادگاه قانون اساسی در کرواسی و شورای نگهبان در ایران به‌عنوان یافته‌های پژوهش، بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: دادرس اساسی، سند حقوقی، نگهبان قانون اساسی، ترسیم صلاحیت‌ها، تضمین آزادی‌ها.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱.
استناد: فتحی یونس، اصغری آرمین، (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی دادرسی اساسی در ایران و کرواسی، مجله حقوق تطبیقی عمومی، (۲)، ۹۲-۱۱۰.

[doi.org/ 10.22091/CPL.2024.10473.1019](https://doi.org/10.22091/CPL.2024.10473.1019)

ناشر: دانشگاه قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان



مقدمه

قانون اساسی به عنوان مهم ترین منبع در هرم سلسله مراتب منابع حقوقی هر کشور و اساسی ترین رکن حقوقی - سیاسی هر دولت - کشوری شناخته می شود. ویژگی تفوق آن بر سایر منابع و قواعد حقوقی مستلزم وجود یک نهاد نظارتی است تا صیانت از برتری آن و جلوگیری از تصویب قوانین مغایر با آن را تضمین نماید (پروین، ۱۳۹۴: ۸۵). نظارت مزبور نه تنها به حفظ ثبات سیاسی و حقوقی یک رژیم حقوقی می انجامد، بلکه در عمل می تواند به حفظ منافع عمومی جامعه، تضمین آزادی های بنیادین شهروندان و رعایت مصالح عالی نظام سیاسی کمک کند (هاشمی، ۱۳۸۹: ۵).

دادرسی اساسی در یک نگاه کلی، مکانیسم مستقلی است که عملکرد آن نظارت بر روند تصویب قوانین و مقررات فرودست است که از هر نوع مغایرت آن ها با قانون اساسی، به عنوان سند حقوقی فراقضایی، ممانعت می کند. ضرورت این موضوع، با توجه به الزام آور بودن و برتر بودن قانون اساسی و لزوم وجود مکانیسم برای تضمین اجرای اصول آن بر همگان واضح است. بر همین اساس، در صورت نبود یک مرجع ناظر و یا عدم نفوذ کارآمد آن و در صورت تبدیل رویه وضع قوانین عادی مغایر با قانون اساسی به رویه ای معمول، دو اصل مهم سلسله مراتبی بودن قوانین و مقررات و تفوق قانون اساسی با توجه به منتفی شدن موضوع خود، بی اثر می شود (dworkin, 2011: 5).

این نظارت به منظور صیانت از برتری قانون اساسی در نظام های حقوقی جهان معمولاً به یکی از سه شیوه زیر صورت می گیرد:

۱. نظارت دستگاه قضایی بر قانون اساسی که در این روش سیستم قضایی اختیار تشخیص مطابقت یا عدم مطابقت قوانین عادی را با قانون اساسی دارا خواهد بود که یا به قضات دادگاه و یا به عالی ترین مرجع قضایی واگذار می گردد؛

۲. نظارت یک هیئت سیاسی مستقل که مطابق با این شیوه، وظیفه حفظ تفوق و برتری قانون اساسی بر عهده یک نهاد سیاسی مستقل است که هیچ وابستگی ساختاری به هیچ قوه ای ندارد؛

۳. نظارت پارلمان که در این روش نظارت بر قوانین عادی نه بر عهده قضات است و نه بر عهده یک نهاد سیاسی مستقل، بلکه بر عهده خود مجلس است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، نهاد دادرسی اساسی تحت عنوان شورای نگهبان اعمال وظیفه می کند که مکانیسم دوم را به منظور اجرای هدف حفظ برتری قانون اساسی اعمال می نماید و در جمهوری کرواسی نهادی تحت عنوان دادگاه قانون اساسی، وظیفه پیش گفته را دنبال می نماید (Barendt, 2008: 125).

در پژوهش حاضر، نگارنده به دنبال آن است که در چارچوب یک مطالعه تطبیقی، نهاد دادرسی اساسی و معیارهای آن را میان دو دولت مذکور مورد پژوهش و بررسی قرار دهد و تلاش می نماید. در پرتو بررسی مقایسه ای حاضر، راهکارهایی در جهت تقویت مبانی نظری شورای نگهبان در جمهوری اسلامی ایران به منظور کاستن خلأ های علمی موجود یا احتمالی آینده مطرح بنماید و همچنین بررسی می شود که آیا می توان معیارهای دادرسی اساسی کرواسی را در نهاد شورای نگهبان جمهوری اسلامی بهره برد تا از این

طریق بتوان در راستای حل دغدغه‌های بنیادین نظری و عملی و چالش‌های پیش‌روی این نهاد در ایران، گامی برداشت؛ بنابراین در ابتدا، نویسنده به مفهوم‌شناسی نهاد دادرسی اساسی پرداخته و سپس پیشینه و شیوه‌های اعمال آن را در جهان مورد بررسی قرار می‌دهد. پس از بیان موارد مذکور، ساختار دادگاه قانون اساسی کرواسی همراه با ساختار سیاسی این کشور مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت و بعد از تبیین حدود صلاحیت‌ها و اختیارات دادرسی اساسی در این کشور، ساختار، تشکیلات و صلاحیت‌های شورای نگهبان در ایران بررسی خواهد شد و در نهایت دادرسی اساسی در دو دولت-کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کرواسی، مورد مقایسه قرار خواهد گرفت. در خصوص پیشینه انجام پژوهش در باب دادرسی اساسی در مورد کشورهای مختلف جهان به‌ویژه ایران، تحقیقات گوناگونی انجام شده است و در مورد دادرسی اساسی در جمهوری کرواسی هم تنها یک مقاله مهم در سال ۱۹۹۶ تحت عنوان *The Constitutional court of the republic of Croatia* به چاپ رسیده است. در مقاله پیش‌رو، برای نخستین بار در راستای یک پژوهش تطبیقی، نظام دادرسی اساسی میان دو کشور ایران و کرواسی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. دادرسی اساسی و صیانت از قانون اساسی

دادرسی اساسی به مجموعه اعمال، کارکردها، روش‌ها و رویه‌هایی گفته می‌شود که در اکثریت نظام‌های حقوقی دارای قانون اساسی با درپیش‌گرفتن آن‌ها، برتری قانون اساسی به‌عنوان سند حقوقی فرائقینی یا به عبارتی بالاترین سند حقوقی آن نظام سیاسی در مجموعه منابع حقوقی آن دولت-کشور تضمین می‌شود (پروین، ۱۳۹۴: ۶۲).

نیک بر همگان واضح است که قانون اساسی، بالاترین اعتبار را در هرم سلسه‌مراتب منابع حقوقی دارد. حال انتظار می‌رود که هر قانون عادی مصوب پارلمان، هر مقرره یا مصوبه دولتی و هر عرف یا رویه عادی، تابع چارچوب کلی نظام حقوق اساسی و مطابق با قانون اساسی طراحی، تصویب و اجرا شود. به این ترتیب می‌توان انتظار داشت که مقررات و مصوبات فرودست جامعه حقوقی با قانون اساسی آن جامعه در تعارض قرار نخواهد گرفت. در کنار مفهوم حاکمیت قانون، مفهوم دیگری که اهمیت آن غیرقابل‌انکار است، در میان برخی نوشته‌های حقوق‌دانان وجود دارد که از آن به حاکمیت قانون اساسی تعبیر شده است (زارعی، ۱۳۸۴: ۱۴۲).

حاکمیت قانون به معنی تضمین ایجاد و اعمال ضمانت اجرای قوانین است و به این ترتیب همه افراد، اقشار و اشخاص واجد قدرت سیاسی در یک نظام حقوقی، تحت سیطره قوانین موضوعه در آن جامعه سیاسی هستند و در صورت تخطی از اجرای قانون، با ضمانت اجرای قانونی مربوطه مواجه خواهند شد. حال، مفهوم قانون اساسی به معنای ثبات سیاسی یک نظام حقوق اساسی در یک کشور است؛ یعنی قانون اساسی اعتبار خود را به‌عنوان عالی‌ترین سند حقوقی-سیاسی در یک نظام حقوقی حفظ کند و قوانین و هر هنجار حقوقی به طریقی در آن رژیم ایجاد شوند که موافق با آن خوانده شوند. به این صورت با شکل‌گیری مفهوم حاکمیت

قانون اساسی به‌عنوان یکی از مفاهیم مهم و کلیدی حقوق عمومی، در هر نظام حقوقی واجد قانون اساسی، نهادی تحت عنوان دادرسی اساسی شکل گرفت (زارعی، ۱۳۸۴: ۱۵۲). این نهاد، ماهیت شورایی دارد؛ یعنی ارگانی که متشکل از چندین عضو که با مکانیسم مشورت در خصوص مطابقت یا عدم مطابقت قوانین با قانون اساسی ایفای نقش می‌نماید. این نهاد در برخی از نظام‌های حقوقی مانند فرانسه، شورای قانون اساسی یا در ایران، شورای نگهبان نام دارد و در برخی دیگر از نظام‌ها مانند کرواسی، عنوان دادگاه قانون اساسی بر آن نهاده‌اند.

۱-۱. پیشینه دادرسی اساسی در اروپای قاره‌ای

گذشته از وجه‌تسمیه این نهاد در کشورهای مختلف، کارکرد اصلی و اساسی همه نهادهای دادرسی اساسی یا به تعبیری نگهبان اساسی، محافظت از تفوق و برتری قانون اساسی در برابر وضع قوانین و مقررات مخالف با آن و یا عرف‌ها و یا رویه‌های معارض با آن است. در قرن بیستم، غالب دولت‌های اروپا، ایجاد و استمرار رژیم‌های دموکراتیک و حمایت از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین و اساسی شهروندان را وابسته به دموکراتیک نمودن قوانین اساسی و هنجارهای موجود در آن و تضمین اجرای مفاد آن دانسته‌اند. به این ترتیب، برتری هنجاری قانون اساسی به‌عنوان یک سند فرائقینی و مهم نسبت به قوانین عادی و مقررات و مصوبات دولتی به‌عنوان منابع فرودست را به محاکم خاصی تحت عنوان دادگاه‌های قانون اساسی یا شورای قانون اساسی واگذار نمودند و این چنین بود که جریانی تحت عنوان اساسی‌سازی نظم حقوقی شکل گرفت (تقی زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

بروز و ظهور دادرسی اساسی از قرن نوزدهم در ایالات متحده آمریکا آغاز شد؛ اما توسعه و پذیرش آن به‌عنوان یک پدیده نوین جهانی در قرن بیستم تداوم یافت و بعد از ایالات متحده، ابتدا دولت‌های اروپایی و سپس سایر کشورها، این مکانیسم نظارتی را در نظام حقوق اساسی خود پذیرفتند (گرچی ازندریانی، ۱۳۹۴: ۱۵).

امروزه اکثریت قریب به اتفاق دولت‌های جهان، با توجه به اهمیت و حساسیت غیرقابل انکار قانون اساسی، سیستم دادرسی اساسی را در نظام سیاسی خود مورد پذیرش قرار داده‌اند.

۲-۱. شیوه‌های دادرسی اساسی

مفهوم دادرسی اساسی در دولت-کشورهای معاصر، شکل یگانه‌ای نداشته و دولت‌های جهان در تشکیل و توسعه‌ساز و کارهای آن، به ویژگی‌ها و شرایط بومی موجود در جوامع خود تأکید داشته‌اند. حال به‌منظور ترسیم شیوه‌های دادرسی اساسی، دو الگوی مهم در جهان مطرح شده است که عبارت است از الگوی آمریکایی و الگوی اروپایی (گرچی ازندریانی، ۱۳۹۴: ۱۵).

۱-۲-۱. الگوی اروپایی دادرسی اساسی

الگوی اروپایی که در رأس آن نظام دادرسی اساسی فرانسوی قرار دارد، میراث مهمی را برای غالب دولت‌های اروپایی در حقوق اساسی و به‌ویژه در موضوع صیانت از قانون اساسی قرار داده است. روش اروپایی صیانت از قانون اساسی، الگویی است که طبق آن دعاوی مربوط به حفاظت از برتری و تفوق قانون اساسی از دعاوی عادی جدا است. طبق این الگو، نهاد ناظر بر حفظ برتری قانون اساسی، یک نهاد سیاسی و مستقل است و به هیچ ارگان حکومتی و به هیچ قوه‌ای از قوای سه‌گانه دولت، وابستگی سازمانی ندارد. نهاد دادرسی اساسی در این الگو، از اصول و آیین دادرسی قضایی تبعیت می‌کند (گرچی از ندریانی، ۱۳۹۲: ۲۰). نکته قابل توجه دیگر در خصوص این الگو، این است که شهروندان حق درخواست رسیدگی یعنی احراز مطابقت قانونی با قانون اساسی را ندارند و صرفاً تعداد خاصی از مراجع حکومتی و دولتی حق درخواست مذکور را دارا هستند. به فرض مثال دادگاه قانون اساسی آلمان، دیوان قانون اساسی سوریه و دادگاه قانون اساسی ترکیه از این دسته هستند (کارگزاری، ۱۳۸۳: ۲۷۸).

۱-۲-۲. الگوی آمریکایی دادرسی اساسی

الگوی دیگر دادرسی اساسی در دولت‌های جهان که نقطه مقابل الگوی اروپایی قرار می‌گیرد، مدل آمریکایی است که عناوین دیگری از جمله مدل متمرکز، مدل پسینی و یا مدل قضایی هم نام گرفته است. در این شیوه، نهاد دادرسی اساسی وابسته به سیستم قضایی دولت مربوطه است و خود، جزئی از نظام قضایی کشور است و بنابراین از روش‌ها، اصول و آیین دادرسی‌های قضایی برای اعمال دادرسی اساسی، بهره می‌گیرد. در مدل آمریکایی دادرسی اساسی برخلاف دادرسی‌های اساسی اروپایی، شهروندان و طرفین دعوا هم می‌توانند درخواست رسیدگی بدهند؛ البته چنین اختیاری در قانون اساسی آمریکا به آن تصریح نشده است بلکه ریشه آن به حکمی که در یک پرونده که توسط قاضی مارشال صادر شده بود، برمی‌گردد و استدلال مارشال در این پرونده این بود که قانون اساسی در بالاترین جایگاه موجود در سلسله‌مراتب قواعد حقوقی جای دارد و قوه قضائیه هم پاسدار قانون اساسی است (حبیب زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

۲. ساختار سیاسی دولت کرواسی

دولت-کشور کرواسی، دولتی است جمهوری، دموکراتیک و مستقل که واجد مؤلفه‌های دولت رفاه نیز می‌باشد و در اولین ماده قانون اساسی این کشور به این موارد تصریح شده است. نکته قابل توجه و اساسی که کرواسی را از بین کشورهای همسایه خود متمایز می‌سازد، وصف دولت رفاه در این دولت-کشور است (Castle, 2011: 20).

تعریف‌های مختلفی از دولت رفاه مطرح شده که بهترین آن به این شرح است: «دولتی است که در آن تضمین و تقویت رفاه در سطح کلان جامعه بر عهده ارگان‌های واجد قدرت سیاسی است و چنین دولتی نوعی نظام اقتصادی را شکل می‌دهد که در آن دولت مکلف است به اشخاصی که به هر دلیلی نتوانند از عهده پرداخت هزینه‌های زندگی و امرار معاش خود برآیند، یاری‌رسانی کند» (مردی‌ها، ۱۳۹۹: ۲۰).

در کنار وصف دولت رفاه که خود به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم دولت دموکراتیک حائز اهمیت است، در ماده ۳ قانون اساسی جمهوری کرواسی به مواردی اشاره شده که متضمن اصول و مبانی دموکراسی و مردم‌سالاری است: از جمله آزادی، حقوق برابر برای همه اقشار و افراد تابع دولت، تساوی قومی، نژادی و جنسیتی، صلح و آسایش، عدالت اجتماعی، احترام به حقوق بشر، عدم تعرض به حق مالکیت افراد و حاکمیت قانون که به‌عنوان اصول و مبانی اساسی دموکراسی و عالی‌ترین ارزش‌های نظم موجود در قانون اساسی تلقی شده‌اند (Marko, 2002: 7).

به‌علاوه در جمهوری کرواسی، تفکیک قوا به‌عنوان یکی از اصول اولیه تشکیل نظام سیاسی این کشور، به رسمیت شناخته شده است که البته باید اذعان کرد که تفکیک قوا در این کشور به‌صورت نسبی وجود دارد (Potrebica, 2002: 7). جمهوری کرواسی مانند بسیاری از کشورهای اروپای قاره‌ای، از الگوی حکومتی نیمه‌ریاستی و نیمه‌پارلمانی تبعیت کرده است (Marko, 2002: 8). به این صورت که ویژگی‌های نظام ریاستی و همچنین نظام پارلمانی در آن تلفیق شده است. در جمهوری دموکراتیک کرواسی، ریاست کشور بر عهده رئیس‌جمهور است. در کرواسی هر پنج سال یک‌بار، انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود و در طی این انتخابات رئیس‌جمهور برای مدت پنج سال و با امکان یک‌بار انتخاب مجدد به‌عنوان رئیس کشور برگزیده می‌شود (Rodin, 1996: 50). رئیس‌جمهور در جمهوری کرواسی، مظهر حاکمیت ملی این دولت-کشور تلقی می‌شود (Potrebica, 2002: 7). در کرواسی هیئت ویران با دریافت رأی اعتماد از نمایندگان مجلس رسمیت می‌یابند و در جریان امور و فعالیت‌هایی که مکلف به ایفای نقش در آن‌ها هستند، در برابر پارلمان، واجد مسئولیت سیاسی می‌باشند و همچنین پارلمان کرواسی قادر است با رأی عدم اعتماد، دولت کرواسی را از قدرت ساقط کند (Rodin, 1996: 57).

۳. دادرسی اساسی در جمهوری کرواسی - ساختار و تشکیلات

نهاد دادرسی اساسی در جمهوری کرواسی، دادگاه قانون اساسی نام دارد و همان‌طور که از نامش مشخص است، دادرسی اساسی در کرواسی از الگوی غیرسیاسی یا قضایی تبعیت کرده است (Rodin, 1996: 59). این مرجع از ۱۳ عضو تشکیل می‌شود که این اعضا را پارلمان کرواسی از میان حقوق‌دانان برجسته، قضات، وکلا، دادستان‌های عمومی دادگستری و اساتید دانشگاه در یکی از گرایش‌های تخصصی رشته حقوق با دوسوم اکثریت مطلق آرا برمی‌گزیند (Castle, 2011: 35). دوره دادرسی اساسی هر عضو در دادگاه قانون اساسی کرواسی ۸ سال است و انتخاب مجدد اعضا برای یک‌بار بلامانع است (Rodin, 1996: 38). روند تشریفات انتخاب اعضا از میان داوطلبین واجد شرایط قضاوت در دادگاه قانون اساسی، توسط کمیته‌ای تحت عنوان کمیته مجلس کرواسی در پارلمان تعیین می‌گردد (Potrebica, 2002: 14). نکته قابل توجه این است که قضات دادگاه قانون اساسی حق داشتن هیچ حرفه یا شغل به‌عنوان تصدی دولتی یا عمومی را ندارند و همچنین قضات مذکور از همان مصونیت‌های قضایی مذکور در رابطه با قضات دادگستری نیز برخوردار هستند (Castle, 2011: 36).

روند استعفا یا برکناری اعضای دادگاه قانون اساسی همان است که در قسمت مستعفی گردیدن قضات دادگستری کرواسی در قانون اساسی این کشور مطرح شده است و با آن، شباهت کامل دارد (Rodin, 1996: 39).

در کرواسی، ایده تشکیل دادگاه ویژه با کارکرد دادرسی اساسی، الهام گرفته از هانس کلسن اتریشی، استاد معروف حقوق عمومی بوده است. در کرواسی نظارت بر مطابقت قوانینی که به نظر می‌رسد خلاف قانون اساسی است، به دادگاه قانون اساسی این کشور ارجاع داده می‌شود. این دادگاه زیر نظر قوه قضائیه نیست و نهادی مستقل است (Castle, 2011:37). ایجاد این مرجع در کرواسی از خطر بروز رویه‌های قضایی متعارض و مخالف با قانون اساسی جلوگیری می‌کند. دادگاه مذکور به ابطال کلیه قوانین و مقررات خلاف قانون اساسی رأی می‌دهد و با توجه به این‌که احکام این دادگاه مطلق است و برای همه محاکم و مراجع دولتی و حکومتی لازم‌الاتباع است، در همه موارد، پرونده‌ها و دعاوی مشابه لازم‌الاجرا تلقی می‌شود (Rodin, 1996: 40). در کرواسی دادگاه‌های عادی، حق تصمیم‌گیری در مورد مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی را ندارند و دادرسی اساسی به شکل متمرکز و محدود اعمال می‌شود (Castle, 2011: 38). دادرسی اساسی در کرواسی همانند سایر مراجع دادگستری در برابر قوای عمومی و ارگان‌ها و نهادهای حکومتی، از استقلال کامل برخوردار است و اصولی مانند طولانی بودن دادرسی قانون اساسی و نظام منع جمع مشاغل از جمله مواردی هستند که استقلال دادرسان اساسی را تضمین می‌کنند (Marko, 2002: 20).

۴. اختیارات دادگاه قانون اساسی کرواسی

دادرسی اساسی جمهوری کرواسی، به‌عنوان مرجع ناظر بر مصوبات و مقررات قانونی مجالس قانون‌گذاری و نگهبان قانون اساسی، در چارچوب یک دادگاه خاص یا به عبارتی، یک مرجع قضایی مستقل از ارکان سیاسی کشور و به دور از وابستگی به قوه قضائیه کرواسی، از مجموعه‌ای از اختیارات مهمی برخوردار است که در قسمت‌های بعدی این نوشتار به آن‌ها اشاره می‌گردد (Potrebica, 2002: 15).

۴-۱. تصمیم‌گیری در مورد انطباق قوانین با قانون عادی

انطباق قوانین عادی با قانون اساسی مهم‌ترین و اصلی‌ترین کارکرد نهاد دادرسی اساسی در همه نظام‌های حقوق اساسی جهان است. این کارکرد مهم به یک نتیجه مهم می‌انجامد و آن صیانت از برتری قانون اساسی به‌عنوان عالی‌ترین سند حقوق سیاسی در یک نظام حقوق اساسی است (عباسی، ۲۰: ۱۳۹۱). از آنجایی که قانون اساسی، متن یک سند فراتقنینی را به‌عنوان هنجار برتر حقوقی تشکیل می‌دهد، فلذا انتظار می‌رود، نهادی هم به‌عنوان ناظر بر عدم تصویب مقررات و قوانین مغایر با آن ایجاد شود که در کرواسی این مهم بر عهده دادگاه قانون اساسی کرواسی نهاده شده است (Rodin, 1996: 60). در جمهوری دموکراتیک کرواسی تضمین رعایت برتری هنجاری قانون اساسی به‌عنوان یک سند فراتقنینی و مهم نسبت به قوانین عادی و مقررات و مصوبات دولتی به‌عنوان منابع فرودست، به محاکم خاصی تحت عنوان دادگاه قانون اساسی واگذار

شده است و در این دولت، تصمیم‌گیری در مورد عدم انطباق قانون عادی با قانون اساسی، قبل از طی تشریفات تصویب قانون توسط پارلمان صورت می‌گیرد و به عبارتی دادرسی اساسی، به شکل پیشینی وجود دارد (Rodin, 1996: 62). به این ترتیب می‌توان انتظار داشت که مقررات و مصوبات فرودست جامعه حقوقی با قانون اساسی آن جامعه در تعارض قرار نخواهد گرفت.

۴-۲. تصمیم بر دادرسی اساسی نسبت به تصمیمات فردی نهادهای حکومتی

تصمیم بر دادرسی اساسی نسبت به تصمیمات فردی نهادهای حکومتی و نهادها و ارگان‌های خودمختار محلی و هرکدام از اشخاص حقوقی که از قدرت عمومی بهره‌مندند، از کارکردهای مهم دادگاه قانون اساسی کرواسی است که به معنی نفوذ دادرسی اساسی کرواسی در سازمان‌های سیاسی و دولتی حکومت تلقی می‌شود (Castle, 2011: 25).

این عنوان، یکی از موارد اصلی کارکردهای دادرسی اساسی در کرواسی مطابق با ماده ۱۲۹ قانون اساسی این کشور است. دادرسی اساسی در کرواسی صرفاً مغایرت قوانین و مقررات عادی مصوب مجلس با قانون اساسی را بررسی و احراز نمی‌کند؛ بلکه نسبت به هر تصمیمی در هرکدام از نهادها و ارگان‌های حکومتی واجد قدرت سیاسی مسئولیت دارد. حال اعلام مغایرت تصمیمات مقام‌ها و نهادهای حکومتی در دولت کرواسی از دو منظر بررسی می‌شود:

۱. این تصمیمات ممکن است با قانون اساسی مغایرت داشته باشد که در این صورت اعضای دادگاه قانون اساسی کرواسی با کسب آرای اکثریت، مغایرت را احراز و اعلام نموده و گزارش آن را به مجلس تقدیم می‌کنند و ابطال آن تصمیمات اعمال می‌گردد (Potrebica, 2002: 28)؛

۲. تصمیمات مذکور می‌تواند مغایر با مفاد و اصول مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر باشد. در این حالت نیز دادگاه قانون اساسی صالح به رسیدگی است و ابطال آن‌ها را از طریق مجلس کرواسی پیگیری می‌نماید (Potrebica, 2002: 39).

۴-۳. تصمیم‌گیری در مورد اتهام رئیس‌جمهور مطابق با قانون اساسی

رئیس‌جمهور به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی در رأس قوه مجریه دولت کرواسی واجد مصونیت سیاسی است و هر عمل، نظر و اقدامی که در راستای انجام وظیفه ریاست جمهوری از خود نشان دهد، منجر به مسئولیت انتظامی و یا کیفری او نخواهد شد؛ اما اگر حین ارتکاب جرم مستوجب حبس ۵ ساله یا بیشتر دیده و دستگیر شود، مراتب آن به دادگاه قانون اساسی گزارش داده می‌شود و در صورت تأیید و موافقت مرجع مزبور، روند تعقیب و محاکمه کیفری او آغاز خواهد شد (Rodin, 1996: 65). پرواضح است که از بایسته‌های تضمین اجرای اصل حاکمیت قانون در سطح نهادهای سیاسی، پیش‌بینی ضمانت اجرا برای نقض قوانین از سوی مقامات سیاسی است (برلیان، ۱۱۶: ۱۴۰۱). قانون اساسی کرواسی نیز با پیش‌بینی سازوکار دادرسی اساسی برای مسئولیت رئیس‌جمهور کوشیده است تا ضرورت پیش‌گفته را اجابت کند. گاهی تخلف رئیس‌جمهور، در حین انجام وظایف و اختیارات قانونی او است و گاهی هم رئیس‌دستگاهی اجرایی، مرتکب جرم کیفری

می‌گردد. در هر حالت، رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور، متعاقب اقدام دادرسی اساسی کرواسی و احراز وقوع تخلف و صدور حکم قضایی بایسته توسط مرجع قضایی صالح است (Rodin, 1996: 66).

۴-۴. نظارت بر انتخابات و فراندوم

نظارت بر حسن جریان امور در انتخابات مختلف از جمله انتخابات پارلمان و ریاست جمهوری و همچنین نظارت بر صحت برپایی فراندوم در مواقع خاصی که تشکیل شود، بر عهده دادگاه قانون اساسی کرواسی است. انتخابات، قلب دموکراسی است و همواره در نظام‌های مدعی اصول دموکراتیک، حسین جریان برگزاری انتخابات به منظور پیشبرد غایات و نیت مردم‌سالاری، امری بسیار حساس و خطیر است (داگلاس، ۱۳۹۷: ۵). انتخابات نیازمند نوعی نظارت اساسی و موشکافانه‌ای است که راه هر نوع تقلب و فریب انتخاباتی را ببندد. در غالب نظام‌های حقوق اساسی دنیا، این نظارت به مرجع دادرسی اساسی واگذار می‌گردد که در جمهوری کرواسی هم این امر مهم بر عهده دادگاه قانون اساسی قرار گرفته است (Marko, 2002: 19). فلسفه نظارت بر انتخابات در کرواسی، پیشگیری از رقابت ناسالم بین داوطلبان، جلوگیری از پیدایش فساد و نیز ممانعت از تخلفات و خطاهای مجری انتخابات و صیانت از آرای مردم در فرایند انتخابات است. هر جا که تخلف، تقلب و خطای مجری قانون، محتمل باشد، نظارت بر اجرا نیز موضوعیت پیدا می‌کند.

۵. دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران - ساختار و تشکیلات

دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران، نهادی غیر قضایی و سیاسی مستقلی تحت عنوان شورای نگهبان است. شورای نگهبان یک شورای انتصابی است که طبق قانون اساسی دارای ۱۲ عضو است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای شورای نگهبان وظایف متعددی را بر شمرده است. طبق قانون اساسی ایران، این شورا متشکل از شش فقیه اسلامی عالم به احکام اسلامی و آگاه از مسائل روز به انتخاب رهبر ایران و شش حقوق‌دان مسلمان و متخصص در بخش‌های مختلف قانون، توسط رئیس قوه قضاییه (که به نوبه خود، توسط رهبری نیز منصوب می‌شود) انتخاب شده و برای اخذ رأی اعتماد به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند. عمده این وظایف به طور مشترک بر عهده فقها و حقوقدانان است و تعدادی دیگر، وظایف اختصاصی فقها است (پروین، ۱۳۹۴: ۶۲).

۶. صلاحیت‌های شورای نگهبان قانون اساسی

از میان مجموعه وظایف شورای نگهبان، سه مورد «نظارت بر قانون‌گذاری» و «تفسیر قانون اساسی» و «نظارت بر انتخابات» دارای اهمیت بسیاری هستند که در مطالب آتی به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۶-۱. نظارت بر قانون‌گذاری

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظارت بر قوانین و مصوبات را بر عهده شورای نگهبان قرار داده است. فلسفه نظارت بر قوانین و مصوبات در جمهوری اسلامی در دو مسئله پاسداری از «شریعت» و «قانون

اساسی» نهفته است. در مورد مسئله نخست باید گفت: اصولاً نظام‌های سیاسی از یک جهت بر دو قسم هستند؛ در بعضی نظام‌ها مشروعیت فقط از آرای عمومی نشئت می‌گیرد که قانون‌گذاری در این‌گونه حکومت‌ها بر اساس خواست مردم صورت می‌پذیرد و هیچ‌چیز دیگری به غیر از آرای عمومی مبنای قانون‌گذاری نخواهد بود (هاشمی، ۷۵: ۱۳۸۵).

برای حصول اطمینان از این‌که در جمهوری اسلامی قانونی مغایر با شرع وضع نمی‌شود، ضروری است که یک مرجع ذی‌صلاح بر این کار نظارت داشته باشد. مرجعی که مصوبات نهاد قانون‌گذار را کنترل نماید و از تصویب قوانین یا مقررات مغایر با شرع پیشگیری نماید (عباسی، ۳۰: ۱۳۹۱).

همچنین باید اذعان کرد آمال و آرزوهای یک ملت در قانون اساسی کشورشان منعکس شده است. قانون اساسی در حقیقت بیانیه اصل‌بندی شده یک نظام سیاسی است و به‌عنوان قانون برتر، محور همه روابط و مبنای تمامی اقدامات است. تمام ارکان و نهادهای نظام از قانون اساسی سرچشمه می‌گیرد و اصول آن، مبین حقوق و تکالیف دولت و ملت است، لذا بایستی اقدامات حقوقی، از جمله قانون‌گذاری با توجه به اصول قانون اساسی صورت گیرد و مصوبات مغایر با آن، ملغی و بی‌اعتبار اعلام گردد (هاشمی، ۲۵۰: ۱۳۸۹). مجلس شورای اسلامی که وفق اصل ۷۱ قانون اساسی، صلاحیت آن برای قانون‌گذاری عام است، نمی‌تواند قوانین مغایر با اصول قانون اساسی وضع نماید و هیچ‌یک از نهادهای قانون‌گذار و تصمیم‌گیرنده نیز مجاز نیستند که مصوبه‌ای مغایر با قانون اساسی وضع کنند. برای نیل به این مقصود لازم است که مرجعی صلاحیت‌دار، مصوبات را پیش از لازم‌الاجرا شدن از حیث عدم مغایرت با قانون اساسی بررسی کند و اگر آن را مغایر ببیند، بی‌اعتبار اعلام کند. بنابراین، فلسفه نظارت بر قانون‌گذاری و ضرورت آن، پیشگیری از تخلفات احتمالی قوه مقننه و دیگر نهادهای صالح برای وضع مقررات، نسبت به اصول قانون اساسی و موازین اسلامی است (پروین، ۱۳۹۴: ۷۲). در جمهوری اسلامی ایران روش کنترل غیرقضایی استفاده شده است؛ یعنی نظارت بر قانون‌گذاری به یک نهاد غیرقضایی مستقل به نام «شورای نگهبان» واگذار شده است (هاشمی، ۸۰: ۱۳۸۹).

از آنچه پیش از این بیان شد به‌روشنی معلوم گردید که نهاد ناظر در جمهوری اسلامی ایران بایستی از ترکیب دوگانه‌ای برخوردار باشد؛ زیرا وظیفه این مرجع نظارتی، از یک جهت، انطباق مصوبات قوه مقننه با قانون اساسی و از جهت دیگر انطباق آن با موازین شریعت است. بنابراین، لازم است جمعی از دین‌شناسان (فقها) و حقوقدانان، عضو این نهاد باشند. کسی می‌تواند در مورد ماهیت شرعی قوانین اظهار نظر کند که احکام شریعت را به‌درستی بشناسد و رأی او فصل‌الخطاب باشد و او کسی جز «فقیه» نیست. همچنین کسی می‌تواند در مورد عدم مغایرت مصوبات مجلس با اصول قانون اساسی اظهار نظر نماید که قانون اساسی را خوب بشناسد و او کسی جز «حقوق‌دان» نیست. بدین لحاظ، دوازده نفر از فقها و حقوقدانان واجد شرایط برای کنترل مصوبات نهاد قانون‌گذار در نهادی به نام شورای نگهبان حضور دارند (هاشمی، ۸۰: ۱۳۸۹).

۲-۶. تفسیر قانون اساسی

یکی دیگر از وظایف شورای نگهبان تفسیر قانون اساسی است. تفسیر در لغت به معنای «پرده برداری و کشف مُراد از لفظ مشکل»، «اظهار معنای معقول از یک کلام یا کلمه» و ... آمده است. بنابراین، تفسیر، پرده برداشتن از غوامض و مشکلات یک لفظ یا یک جمله و برگرفتن نقاب از چهره آن است (دهخدا، ۵۶۹: ۱۳۷۵).

نیاز به تفسیر را ممکن است یک مقام دولتی احساس کند. مدیران، وزرا و سایر مسئولین اجرایی کشور در مقام اجرای قوانین ممکن است، احساس کنند که فلان اصل قانون اساسی اجمال دارد یا مجلس شورای اسلامی هنگام تدوین قوانین مورد نیاز، محتاج تفسیر یک اصل از قانون اساسی شود. اشخاص عادی هم ممکن است به چنین نیازی برسند. خلاصه در این مرحله، نیاز به تفسیر را ممکن است هر شخص حقیقی یا حقوقی احساس نماید. به هر جهت، پس از این که یک شخص، احساس کرد که اصلی از قانون اساسی نیاز به تفسیر دارد، باید این نیاز را به شورای نگهبان منتقل نماید. این عمل را «استفسار» می‌گویند (هاشمی، ۱۴۵: ۱۳۸۹). از طرفی اگر بنا باشد، هر کس که احساس نیاز به تفسیر پیدا نمود، رأساً از شورای نگهبان استفسار نماید و شورای نگهبان نیز در مقام تفسیر برآید، این کار به یک وظیفه مستمر و روزانه شورای نگهبان تبدیل می‌شود و این نهاد را از وظایف دیگر باز می‌دارد. همچنین ممکن است بعضی از این احساس نیازها کاذب بوده و یا انگیزه‌های سیاسی در طرح آن وجود داشته باشد (پروین، ۱۳۹۴: ۷۲). وجود این آسیب‌ها و امکان وصول استفساریه‌های فراوان از مراجع مختلف، سبب شد تا شورای نگهبان در ماده ۱۸ آیین‌نامه خود، با محدود کردن دایره افراد واجد صلاحیت برای استفسار مقرر کند: «تفسیر اصول قانون اساسی با ارجاع مقام معظم رهبری و یا با درخواست رئیس‌جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس قوه قضائیه و یا یکی از اعضای شورای نگهبان صورت می‌گیرد.» آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان، تشخیص ضرورت تفسیر را نیز بر عهده شورای نگهبان گذاشته است. ماده ۲۲ آیین‌نامه بیان می‌دارد: «تشخیص اینکه مورد سؤال از مصادیق تفسیر است با اکثریت شورای نگهبان است.» تفسیری که شورای نگهبان از یک اصل ارائه می‌دهد، از حیث اعتبار در حکم خود قانون اساسی بوده و لازم‌الاجرا تلقی می‌گردد؛ بنابراین ضروری است که نظرات تفسیری به اطلاع عموم برسد (هاشمی، ۱۴۵: ۱۳۸۹).

۳-۶. نظارت بر انتخابات

سومین وظیفه‌ای که برای شورای نگهبان در نظر گرفته شده، نظارت بر انتخابات است. «نظارت» در لغت به معنای «مراقبت کردن» و «تحت نظر گرفتن» است. از نظر حقوقی، مقصود از نظارت بر انتخابات، مجموعه عملیاتی است که نهاد ناظر انجام می‌دهد تا از اجرای دقیق و صحیح قانون و سلامت انتخابات اطمینان حاصل نماید (حبیب زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

فلسفه نظارت بر انتخابات، پیشگیری از رقابت ناسالم بین داوطلبان و نیز جلوگیری از حیل‌های برگزارکننده انتخابات و محافظت از حقوق شهروندان در فرایند انتخابات است. هر جا که تخلف، تقلب و خطای مجری قانون، محتمل باشد، نظارت بر اجرا نیز موضوعیت پیدا می‌کند

در حقوق عمومی نیز مسئله نظارت اهمیت زیادی دارد. قانون اساسی برای قوای سه‌گانه کشور نظارت لازم را پیش‌بینی کرده است، مجلس شورای اسلامی از طریق دیوان محاسبات بر قوای دیگر نظارت مالی می‌کند. قوه قضائیه نیز از طریق سازمان بازرسی کل کشور بر قوای دیگر نظارت می‌کند با وجود این که وظایف هر یک از قوای سه‌گانه در قانون به‌روشنی بیان شده است، لکن این مسئله، اهمیت نظارت را بر اقدامات آنان منتفی نساخته است و قانون برای ایجاد تعادل و موازنه در قدرت و پیشگیری از سوءاستفاده یا خطاهای احتمالی، نظارت را مطرح نموده است. این در حالی است که قوای سه‌گانه کشور مستقل از یکدیگر هستند. نفی نظارت بر اجرای قانون، به معنای نفی احتمال تخلف، تقلب و خطای در اجرا است (هاشمی، ۲۶۲: ۱۳۸۹).

۷. مقایسه دادرسی اساسی ایران و کرواسی

دادرسی اساسی در ایران و کرواسی، اشتراکات و اختلافاتی هم در بعد نظری و هم از جنبه عملی دارا هستند که در این قسمت به مهم‌ترین و برجسته‌ترین آن‌ها اشاره خواهد شد.

۱-۷. تفاوت‌ها

۱. دادرسی اساسی در ایران با نهادی تحت عنوان شورای نگهبان قانون اساسی اعمال می‌گردد. در ایران، دادرسی اساسی از الگوی اروپایی (فرانسوی) و غیر قضایی تبعیت کرده است (هاشمی، ۲۲۴: ۱۳۸۶)؛ به این ترتیب که نهادی سیاسی، مستقل و خارج از چارچوب قوه قضائیه و اصول قضایی به امر دادرسی اساسی می‌پردازد. در جمهوری کرواسی دادرسی اساسی یک نهاد غیرسیاسی و قضایی است و تا حدی می‌توان از قضایی بودن دادرسی اساسی در کرواسی سخن گفت که اعضای آن را هم عموماً قضات و مستشاران دادگستری تشکیل می‌دهند و عنوان دادگاه در مورد آن هم به خوبی بر این واقعیت صحنه می‌گذارد (Rodin, 1996: 46)؛

۲. دادرسی اساسی در کرواسی نسبت به آن دسته از تصمیمات فردی نهادهای حکومتی و نهادها و ارگان‌های خودمختار محلی که مغایر با قانون اساسی و حقوق و آزادی‌های بنیادین مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر افراد باشند، هم اعمال می‌شود. در ایران نهاد دادرسی اساسی یا همان شورای نگهبان چنین اختیار و صلاحیتی ندارد. دلایل مختلفی در مورد مرجعیت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در دادرسی اساسی کرواسی می‌تواند وجود داشته باشد که به نظر می‌رسد، اولویت داشتن اصول دموکراتیک و مردم‌سالارانه عامل اصلی این موضوع را شکل می‌دهند (Potrebica, 2002: 15)؛

۳. دادگاه قانون اساسی کرواسی، جدا از بحث دادرسی اساسی و تطبیق قوانین عادی و مقررات دولتی با قانون اساسی، در موارد خاص دیگر هم با تصریح قانون‌گذار اساسی، صلاحیت‌های مهمی دارد و آن‌ها را اعمال می‌کند. از جمله مهم‌ترین آن‌ها، تأیید صلاحیت معاون رئیس‌جمهور برای نشستن بر مسند ریاست قوه مجریه به جای شخص رئیس‌جمهور در صورت فوت او می‌باشد. چنین اختیاری به معنای نفوذ دادرسی اساسی در تشکیلات اجرایی و افزایش محدودیت‌ها و صلاحیت‌های عمومی دولت با افزایش کارکردهای نهاد دادرسی اساسی است (Potrebica, 2002: 17). علاوه بر این مورد، در جمهوری کرواسی، تعقیب

کیفری رئیس جمهور هم همان طور که در این مقاله به آن اشاره شد، با تأیید دادگاه قانون اساسی ممکن است (Castle, 2011: 29)؛ چنین تأییدی اگر از ناحیه دادگاه قانون اساسی به عنوان دادرس اساسی کرواسی مطرح نشود، به هیچ عنوان رئیس جمهور به عنوان رئیس کشور و عالی ترین مقام اجرائی در رأس قوه اجرائی کشور کرواسی، تحت تعقیب و محاکمه کیفری قرار نمی گیرد. در نظام جمهوری اسلامی ایران، همچنین اختیاری برای نهاد دادرس اساسی یعنی شورای نگهبان پیش بینی نشده است و دادرس اساسی در رابطه با مصونیت مقامات عالی رتبه اجرائی از جمله رئیس جمهور هیچ صلاحیت و اختیاری ندارد؛

۴. تفاوت دیگر دادرسی اساسی ایران و کرواسی، مربوط به تشکیلات و تعداد اعضای حاضر در آن است. شورای نگهبان در جمهوری اسلامی ایران ۱۲ عضو دارد که به نظر می رسد در مورد فرد بودن اعضا، با توجه به الگو برداری از نظام دادرسی اساسی اروپایی و به طور خاص شورای قانون اساسی فرانسه، نوعی سنت شکنی کرده و در تعداد اعضای خود، قاعده فردیت را رعایت نکرده است. این ۱۲ نفر را شش حقوقدان و شش فقیه تشکیل می دهند (هاشمی، ۹۶: ۱۳۸۹). فقها در امر دادرسی اساسی از اختیار بیشتری برخوردارند، با این توضیح که فقها مطابقت قانون عادی را هم با موازین و قواعد شرعی اسلام و هم با قانون اساسی بررسی می کنند؛ اما حقوق دانان صرفاً اختیار بررسی مطابقت قانون عادی با قانون اساسی را دارا هستند (هاشمی، ۹۷: ۱۳۸۹). می توان این گونه برداشت کرد که تبعیض در وجود صلاحیت ها و اختیارات میان اعضای شورای نگهبان در ایران، جلوه ای از موازی کاری، دودستگی و در نهایت، عدم انسجام در امر دادرسی اساسی است. در مقابل، تعداد اعضای دادگاه قانون اساسی جمهوری کرواسی، ۱۳ نفر است که اولاً، از قاعده فردیت موجود در غالب نظام های دادرسی اساسی و به طور کلی قاعده شور که فردیت اعضای یک شورا، شرط تحقق انسجام رأی و اتخاذ تصمیم مطلوب است، تبعیت کرده است؛ ثانیاً، اعضای آن به صورت یکسان از حق اظهار نظر در مورد مطابقت قوانین با قانون اساسی برخوردارند. به علاوه، اعضای دادگاه قانون اساسی در جمهوری دموکراتیک کرواسی را قضات و مستشاران دادگستری، وکلا و اساتید دانشگاه در یکی از گرایش های تخصصی رشته حقوق تشکیل می دهند (Marko, 2002: 15)؛

۵. ماهیت نظارت از حیث مرجعیت دادرسی اساسی در شورای نگهبان قانون اساسی در ایران، جنبه دوگانه دارد؛ با این توضیح که با عنایت به غلبه شرع بر حاکمیت در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر بررسی عدم مغایرت قوانین با قانون اساسی، عدم مغایرت آن ها با شرع و قواعد و هنجارهای موجود در آن هم باید احراز گردد. در دادرسی اساسی کرواسی، این دوگانگی نظارتی وجود ندارد، بلکه دادرسان اساسی در این دادگاه، عدم مغایرت قوانین را نسبت به قانون اساسی ارزیابی می نمایند و در کنار قانون اساسی، به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز توجه ویژه دارند (Potrebica, 2002: 10).

۲-۷. شباهت ها

با بررسی تطبیقی و جستاری نظری در متون قانونی و قوانین اساسی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کرواسی که در این مقاله به عمل آمد، چهار شباهت مهم هم در کنار تفاوت های اساسی میان نهاد

شورای نگهبان قانون اساسی در ایران و دادگاه قانون اساسی در جمهوری دموکراتیک کرواسی، قابل توجه است که به شرح ذیل است:

۱. در هر دو نظام دادرسی اساسی کرواسی و ایران، صیانت از برتری و تفوق قانون اساسی به‌عنوان کارکرد اصلی و وظیفه اولیه نهاد دادرسی اساسی در این کشورها است. هر دو نظام کرواسی و ایران، نظام‌هایی حقوقی با وصف نوشته هستند که سلسله‌مراتب قوانین در آن‌ها از بدیهیات نظام حقوق اساسی است. در هر دوی این نظام‌ها، قانون اساسی، سند برتر حقوقی و واجد هنجارهای اساسی در شکل‌گیری و تحدید صلاحیت‌های مقامات، اشخاص و ارگان‌های دولتی است و در کنار آن، آزادی‌های بنیادین اشخاص را ترسیم و تضمین می‌نماید. حال وظیفه خطیر پاسداری از این سند، از جمله مهم‌ترین کار ویژه‌های دادرسی اساسی در هر دو نظام جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دموکراتیک کرواسی است (پروین، ۱۳۹۴: ۶۲)؛

۲. در هر دو نظام دادرسی اساسی در ایران و کرواسی، قاعده تصمیم‌گیری، احراز عدم مغایرت است؛ یعنی قانون مصوب پارلمان ابتدا به ساکن در نهاد دادرسی اساسی مطرح شده و این نهاد در هر دو کشور، اگر عدم مغایرت را تشخیص بدهد، قانون رد می‌شود و از تصویب آن ممانعت به عمل می‌آید و اگر عدم مغایرتی بین قانون مورد نظر و قانون اساسی احراز نگردد، قانون مزبور به مرحله تصویب نهایی می‌رسد (گرچی ازندریانی، ۱۳۹۲: ۲)؛

۳. نظارت بر انتخابات و همه‌پرسی در هر دو نهاد دادرسی اساسی یعنی شورای نگهبان و دادگاه قانون اساسی از وظایف مهم این مراجع در قوانین اساسی آن‌ها به رسمیت شناخته شده است. در جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان وظیفه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و همچنین نظارت بر مراجعه به آرای عمومی یا همه‌پرسی را در کنار تطبیق قوانین عادی با قانون اساسی بر عهده دارد. در جمهوری دموکراتیک کرواسی نیز نظارت بر انتخابات از شاخصه‌ها و کارکردهای مهم دادگاه قانون اساسی است (کارگزاری، ۱۳۸۳: ۲۷۸)؛

۴. نظارت بر قوانین به‌عنوان دادرسی اساسی هم در نظام شورای نگهبان قانون اساسی ایران و هم در نهاد دادگاه قانون اساسی کرواسی به‌صورت پیشینی است؛ با این توضیح که در هر دوی این نظام‌ها، هر مصوبه یا قانونی ابتدا به ساکن و پس از تدوین باید در مرجع نظارتی نهاد دادرسی اساسی، مورد بررسی قرار بگیرد و اگر مغایرتی احراز نشد، قانون مورد نظر وارد گستره نظام حقوقی می‌گردد (Rodin, 1996: 65).

نتیجه‌گیری

دادرسی اساسی چندین کارکرد مهم در هر نظام سیاسی دارد. در این مقاله ابعاد مختلف این مرجع در دو دولت-کشور ایران و کرواسی بررسی شد. دولت کرواسی به‌عنوان کشوری مستقل، خودمختار و دموکراتیک توصیف شده است که آزادی‌های بنیادین و حقوق بشر را در قانون اساسی خود به رسمیت شناخته است و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را به‌عنوان یک مرجع در دادرسی اساسی نیز تلقی کرده است. طی بررسی تطبیقی که در این مقاله به عمل آمد، دادگاه قانون اساسی کرواسی از اختیارات نظارتی بیشتری نسبت به شورای نگهبان قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. به فرض مثال، تصمیم بر دادرسی

اساسی نسبت به تصمیمات فردی نهادهای حکومتی و نهادها و ارگان‌های خودمختار دولتی و رسیدگی به اتهامات رئیس‌جمهور، داخل در صلاحیت‌های دادگاه قانون اساسی کرواسی است که شورای نگهبان در ایران فاقد این چنین صلاحیت‌هایی است.

بنابراین نقطه قوت دادرسی اساسی کرواسی نسبت به شورای نگهبان در ایران در گستردگی دامنه اختیارات و صلاحیت‌ها، انسجام و نفوذ فراوان در مراجع و ارگان‌های حکومتی و همچنین وجود مرجعیت مفاد مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در امر دادرسی اساسی است که در دادرسی اساسی شورای نگهبان پیش‌بینی نشده است.

فهرست منابع

- آلتمن، آندره؛ (۱۳۸۵). *درآمدی بر فلسفه حقوق*، ترجمه؛ بهروز جندق، انتشارات قم: پژوهشگاه امام خمینی (ره).
- بارنت، اریک؛ (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر حقوق اساسی*، ترجمه؛ عباسعلی کدخداییف تهران: میزان.
- پروین، خیرالله؛ (۱۳۹۴). «جستاری بر اندیشه دادرسی اساسی در جهان»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، ش ۱.
- تروپه، میشل؛ (۱۳۸۳). «منطق توجیحات صیانت از قانون اساسی»، ترجمه؛ عباسعلی کدخدایی و محمدرضا ویژه، مجله حقوق، ش ۶۶.
- جلالی، محمد؛ قاسم علی صداقت (۱۳۹۵). *بررسی مبانی اعتبار دموکراتیک نظارت اساسی*، دانش حقوق عمومی، سال پنجم، ش ۱۵.
- حبیب زاده، توکل؛ (۱۳۹۳). *نظارت قضایی و رویکردهای دیوان عالی فدرال آمریکا در پرتو تفسیر قانون اساسی در تحولات سیاسی و اجتماعی*، دانش حقوق عمومی، سال سوم، ش ۱۰.
- ریدی، برایان؛ (۱۳۹۲). *فلسفه حقوق*، ترجمه؛ حسن خسروی، تهران: مجد.
- زارعی، محمدحسین؛ (۱۳۹۴). *گفتارهایی در حقوق عمومی مدرن*، تهران: خرسندی.
- زارعی، محمدحسین؛ احمد مرکز مالیری (۱۳۸۴). *مفهوم و مبانی کنترل قضایی با تأکید بر نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا*، تحقیقات حقوقی، ش ۴۲.
- زولر، الیزابت؛ (۱۳۹۰). *درآمدی بر حقوق عمومی*، ترجمه؛ سید مجتبی واعظی، تهران: جنگل.
- شوالیه، ژاک؛ (۱۳۸۷). *دولت قانونمند*، ترجمه؛ حمیدرضا ملک محمدی، تهران: دادگستر.
- غمامی، سید محمد مهدی و همکاران (۱۳۹۵). *دادرسی اساسی تطبیقی مطالعه مبانی، ساختارها و صلاحیت‌های نهادهای دادرسی اساسی*، پژوهشکده شورای نگهبان.
- فارو، لویی؛ (۱۳۸۹). *دادگاه‌های قانون اساسی*، ترجمه؛ علی اکبر گرجی، تهران: جنگل.
- فرومن، میشل؛ (۱۳۸۲). *حمایت از آزادی و برابری در رویه قضایی دیوال عالی فدرال آمریکا*، ترجمه؛ علی اکبر گرجی، نشریه حقوق اساسی، ش ۲.
- واعظی، سید مجتبی؛ (۱۳۹۰). «مطالعه تطبیقی مبانی و کارکردها الگوهای دادرسی اساسی»، پژوهش حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، ش ۲.
- ویژه، محمدرضا؛ (۱۳۹۰). *مبانی و ساختار دولت حقوقی*، تهران: جنگل.

References

- Ackerman, B (1990), *We The People*, Harvard University Press.
- Dixon, Rosalind and stone, Adrienne (2018), *The Invisible Constitution In Comparative Perspective*, Cambridge University Press.

- Dowrkin, Ronald (1990), A Bill of rights for Britain, chatto and windus
- Dowrkin, Ronald (2001), laws Empire, Harvard University Press.
- Eisgruber, Christopher (2002), Constitutional self- government and judicial review, Stanford University Press.
- Goldoni, Marco (2013), Constitutional reasoning according to political constitutionalism, General Law Journal.
- Grimm, Pieter (2016), Constitutionalism: the past, present and future, Oxford University press.
- Jakab, Andras (2017), Comparative Constitutional Reasoning, Cambridge University Press.
- Rodin, Mr S (1996), The Constitutional court of the republic of Croatia.
- Von, Bogdandy (2020), Handbooks in European public law, Oxford University Press.

In Persian

- Altman, Andre (2006), A survy on the philosophy of the law, translated by Behrouz Gandaghi, Qom publishing: Iman Khomeini research institute.
- Barent, Erick (2003), An introduction to constitutional law, translated by Abbas Ali Kadkhodaei, Tehran; Mizan.
- Chevalier, Jacques (2008), Lawful state, translated by Hamidreza Malek Mohammadi, Tehran: Dadgostar.
- Favero, Louis (2010), Constitutional court, translated by Ali Akbar Gorji, Tehran: Jangal.
- Froman, Micheal (2003), Protecting liberty and equality in the procedure of the US federal supreme court, translated by Ali Akbar Gorji, Constitutional law journal, No2.
- Ghamami, Seyed Mohammad Mehdi and the colleagues (2016), Comparative constitutional review, study of bases, structures and jurisdictions, Guardian council researches institute.
- Habibzade, Tavakkol (2014) Judicial review and US federal supreme court approaches through constitution interpretation in the social and political changes, Public law knowledge, third year, No 10, Winter.
- Jalali, Mohammad and Ghasem Ali Sedaghat (2006), A survey on Democratic bases of constitutional review, Public Law Knowledge, fifth year, No 15.
- Parvin, Kheirollah (2015), A survey on constitutional review thought in the world, comparative law study, chapter 6, No 1.
- Raydy, Brayon (2013), Philisophy of law, translated Hasan Khosravi, Tehran: Majd.
- Trupe. Micheal (2004), Excuse's logic of constitutional guardian, translated by Abbas Ali Kadkhodaei and Mohammad reza Vije, Law journal, No 66, Winter.

- Zarei, Mohammad Hossen (2015), Speeches in modern public law, Tehran: Khosravi.
- Zarei, Mohammad Hosein and Ahmad Markaz Malmiri (2005), Judicial review bases concept through US legal system, law researches, No 42.
- Zuller, Elizabeth (2011), Introductory to public law, translated by Morteza Vaezi, Tehran: Jagal.
- Vaezi, Seyed Mojtaba (2011), Comparative study of the bases and structure of the patterns of the constitutional review, comparative law research.
- Vije, Mohammad reza (2011), The bases and structures of the legal state, Tehran: Jangal.